



انکار تداوم امامت، استقرار نبوت را زیر سوال می برد

کسانی می خواهند تداوم امامت را انکار کنند که انکار تداوم، استمرار را و سپس استقرار نبوت را زیر سوال می برد.

کسانی می خواهند تداوم امامت را انکار کنند که انکار تداوم، استمرار را و سپس استقرار نبوت را زیر سوال می برد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه شانزدهم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

عنوان دوم روایت در اثبات تداوم رهبری در ائمه اطهار این است که می فرماید؛ زمین از حجت خالی نمی ماند؛ زیرا این عنوان هم تعداد زیادی از روایات وجود دارد.

ابان ابن تغلب از امام صادق نقل می کند که «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ»؛ این همان استمرار است که می فرماید حجت خدا پیش از مخلوقات بوده است، با مخلوقات است و بعد از مخلوقات هم خواهد بود.

فرمایش دیگری از حضرت زین العابدین (ع) روایت شده است که امام ذیل آیه «نور علی نور»؛ می فرماید «نور علی نور یعنی اماماً مؤیداً بنور العلم و الحکمة فی إمر إمام من آل محمد ع و ذلک من لدن آدم إلی أن تقوم الساعة». ف هؤلاء الأوصیاء الذین جعلهم الله عز و جل خلفاءه فی أرضه و حججه علی خلقه لا تخلو الأرض فی کل عصر من واحد منهم»؛

یعنی نور علی نور یعنی امامی که بنور علم و حکمت مؤید باشد و در اثر امامی دیگر از آل محمد و این امر از نزد و پیش آدم بوده تا آنکه قیامت بر پا شود پس این گروه اوصیاء اند که خدای عز و جل ایشان را خلیفه های خود گردانیده در زمین خود و حجت های خود بر خلق خود که زمین در هر عصر و زمانی از یکی از ایشان خالی نباشد.

روایت دیگر این است که سعد اشعری می گوید «قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدِئاً يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْدًى خَلَقَ آدَمَ وَ لَا يُخْلِيهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَهْدِيهِ إِلَيْهِ الْبَلَاءُ عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَهْدِيهِ إِلَيْهِ الْغَيْثُ وَ يَهْدِيهِ إِلَيْهِ الْبَرَكَاتُ الْأَرْضِ»؛

یعنی بر امام عسکری وارد شدم و می خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. او سخن، آغاز کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق؛ خدای تعالی از زمان آدم زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت، به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر اوست که باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.

دسته سوم از روایات که عنوان آن این است «الحجة امام ظاهر مشهور او مستتر مغمور»؛ یعنی یا آشکار است و به نام و یا پنهان است و گمنام؟

در کتاب نهج البلاغه آمده است «اللَّهُمَّ بَلِّ، لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ يَحُجُّهُ إِمَامٌ ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ وَ إِمَامٌ خَائِفٌ مَغْمُورٌ لِنَا تَبْطُلَ حُجَّتُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ وَ كَمَ دَا وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ، أَوْلِيكَ وَ اللَّهُ الْآقِلُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَّتَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظَرَاءَهُمْ وَ يَرَزِّعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ»؛

یعنی آری خدایا، زمین از کسی که به حجتی برای خدا قیام کند تهی نمی ماند؛ آشکار و مشهور، یا ترسان و پنهان، تا دلایل الهی و بینهاتش باطل نشود. اینان چند نفرند، و کجایند به خدا قسم عددشان اندک، و نزد خداوند از نظر منزلت بسیار بزرگند، خداوند دلایل و بینهاتش را به وجود آنان محافظت می کند تا به افرادی شبیه خود بسپارند، و بذر آن را در دل هایشان کشت کنند.

این سوال مطرح است که چرا سلسله امامت ادامه پیدا نکرد و چرا غیبت رخ داد؟ بحث بر این است که نظام خلقت بر

اساس حکمت طراحی می شود و اجرای این حکمت الهی به خواست مردم است. هیچگاه بر اساس زور نیست. یعنی اگر خداوند می خواست انسان ها را هدایت کند نمی توانست مثل مورچه ان ها را بیافریند که فقط حرف گوش دهند؟ ولی آنهمه کمالاتی که به او می دهد دیگر نبود.

اگر انسان بخواهد یک وجود ارزشی باشد باید انتخاب و اراده کند. غیبت بر اساس یک حکمت است. بخشی از بحث غیبت این است که ما می خواهیم یک جامعه عدالت پیشه و بر محور عدالت خواهی ایجاد کنیم. این جامعه سه عنصر می خواهد. یکی رهبری که خودش عادل باشد، دوم مواضع عدالت را داشته باشد و بداند و سوم هم این است که مردم آن عدالت را بپذیرند.

در دوره حکومت امیرالمومنین دو عنصر از این سه وجود داشت ولی جامعه عدالت پذیر نبودند. کسانی بودند که در جنگ ها در رکاب حضرت بودند اما در خوراج در مقابل امیرالمومنین ایستادند. برای اینکه انسان ها به کمال لایق برسند یک مقطعی وجود دارد که اراده بکنند و آن دوران غیبت است.

ذیل عنوان سومی که عرض کردیم باید گفت که یکی از ثمرات امام و حجت این بود که آثار گذشتگان و پیامبران را حفظ کردند. یکی دیگر از آثار آن را در روایت دیگری می خوانم.

امام زین العابدین فرمودند: «وَلَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مِنْدُ خَلْقِ اللَّهِ أَدَمَ مِنْ حُجَّةٍ إِلَيْهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ إِلَيْهِ فِيهَا وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللَّهُ»؛ یعنی از روزی که خداوند آدم را آفرید، زمین خالی از حجت نیست که ظاهر و مشهور است و یا غایب و نهان و تا روز قیامت از حجت خدا خالی نخواهد بود، و اگر چنین نبود خداوند پرستیده نمی شد.

عنوان چهارمی که وجود دارد تحت این مسئله است که «کَلِمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ»؛ یعنی هرگاه ستاره ای ناپدید شود ستاره دیگری طلوع کند. ذیل این عنوان هم روایات متعددی ذکر شده است.

فردی از امام باقر نقل می کند که «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَثَلَ أَهْلُ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ نُجُومِ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ»؛ یعنی شنیدم امام پنجم علیه السلام میفرمود رسول خدا(ص) فرمود اهل بیتم در این امت مانند ستاره های آسمانند هر آنگاه ستاره ای فرو رود ستاره ای درآید.

حدیث دیگر این است که جابر جعفی می گوید «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَأَيِّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَالْإِمَامِ؟ قَالَ: لِبَقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صَلَاحِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: النَّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛ فَإِذَا ذَهَبَتِ النَّجُومُ أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ، وَ إِذَا ذَهَبَتْ أَهْلُ بَيْتِي أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ»؛

یعنی جابر بن یزید جعفی حدیث کند که گفت: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: بچه سبب نیاز و احتیاج به پیغمبر و امام هست؟ فرمود: برای آنکه جهان به صلاح خود باقی بماند، و این برای آن است که خدای تعالی تا زمانی که پیغمبر و امام در زمین باشد عذاب را از اهل زمین بردارد، خدای تعالی فرماید: «وَأَمَّا أَهْلُ الْأَرْضِ فَإِنَّهُمْ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»؛ و حال اینکه تو در میان ایشان، سوره انفال آیه ۳۳؛ و پیغمبر فرمود: ستارگان امان اهل آسمانند، و اهل بیت من امان اهل زمینند؛ چون ستارگان از میان بروند به اهل آسمان رسد آنچه را ناخوش دارند، و چون اهل بیت من از میان بروند به اهل زمین رسد آنچه را خوش ندارند.

پس آنچه ذیل عنوانی که عرض شد استنباط می شود این است که «نَجُومٌ»؛ به طور کلی به معنی «نشان هدایت بودن» است. هدایت گری لطف خداست و لطف خدا هرگز تمامی ندارد.

پنجمین دسته از روایات این است که «فِي كُلِّ خَلْفِ عَدْلٍ عَالَمٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ»؛ یعنی در هر عصری دادگری عادل از اهل بیت پیامبر وجود دارد. دیگر این عنوان هم روایاتی وجود دارد.

ما این پنج عنوان را ذکر کردیم تا از رهگذر روایات بگوئیم نگرش شیعه، تداوم در رهبری و استمرار امامت است. استمرار می تواند به صورت غیب یا آشکار باشد.

امام صادق از پیامبر نقل می کند «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدْلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَنْفِي عَنْ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَاتِّحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَتَأْوِيلَ الْجُهَالِ وَإِنَّ أَيْمَتَكُمْ وَفِدَكُمْ إِلَى اللَّهِ قَائِمُونَ مَنْ تُوْفِدُونَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ»؛

یعنی پیامبر اکرم فرمودند: در هر گروه از امت من که پس از من می‌آیند، یک نفر از اهل بیت من در میان ایشان خواهد بود که تغییرات منحرفین و یاوه‌ری‌های گمراهان و تأویل و توجیه‌های نادانان را از میان می‌برد. همان ائمه و پیشوایان شما، راهبر و راهنمای شما هستند که با آنها به پیشگاه پروردگار خواهید رفت. پس بنگرید که چه کسی را برای دین و نماز خویش چه کسی به رهبری می‌گیرید.

امام صادق از پیامبر روایتی شبیه به روایت قبلی را نقل می‌کند که جمله انتهایی آن این است «وَإِنَّ أَيْمَتَكُمْ قَادِتَكُمْ إِلَى اللَّهِ، فَاَنْظُرُوا بَمَنْ تَقْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ»؛

ثمره این پنج دشته از روایاتی که عرض کردم، تداوم است. کسانی که این مسئله را انکار می‌کنند می‌خواهند تداوم امامت را انکار کنند که انکار تداوم، استمرار را و سپس استقرار نبوت را زیر سوال می‌برد. چراکه آیه خطاب به پیامبر می‌فرماید اگر مسئله را امامت را مطرح نکنی «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ با عدم معرفی امامت آنچه باعث استقرار رسالت می‌شود از بین می‌رود.

ما انگیزه این انکار را متوجه شدیم اما حالا کسانی که این مسئله را انکار می‌کنند چه مستندات دارند؟ می‌گویند ما به تاریخ مراجعه می‌کنیم چیزی از ولادت امام عصر نقل نشده است که این مسئله را در جلسات بعد ادامه خواهیم داد.